

# ناترازی برق در سریال‌های نوروزی



۱ یا اباالفضل! صداوسیما برق کم داره. گفتن اگه برق پخش سریالتون رو نیارین، امسال پایتخت رو پخش نمی‌کنیم.

۲ داداش نگران نباش، شبکه چهار رو کسی نگاه نمی‌کنه، الان برقشون رو وصل می‌کنم به پایتخت.

۳ هما، چرا گریه می‌کنی؟



رحمت رفت برق شبکه چهار رو قطع کنه، اشتباهی مال «نون، خ» رو قطع کرد. الانم گرفتنش.



داداش برق از کجا جور کنیم؟! مگه می‌شه؟ مگه داریم؟

۴ یا خدا! اینا خیلی ناراحت می‌خورن ها! می‌خواین صحبت رو بذاریم برای بعد؟



نورالدین، خدا شاهده بخوای با مهریون بازی این رحمت برق دزد رو از زندان آزاد کنی، من می‌دونم و تو!

خیالت راحت باباجان.

۶ هی پایتختی‌ها، ما از حقمون کوتاه نمی‌آیم، حتی اگه پول بدین.



عموخلیل، حالا اگه خواستن پول بدن که قبول کن.

نه آقا، بذارین حداقل پخش نوروزی رو ازتون بگیریم.



عه نقی؟ تا کردستان اومدیم دیکه! بیاین حرف بزنیم.

صفحه ۲۳  
۲۵ اسفند ۱۴۰۳  
شماره ۱۳۳

۷ آقا بیاین فوتبال بزنیم، هرکی برد، سریال اون امسال پخش بشه.



نقی، دارم می‌ترکم، بسه دیکه.

حرف نزن، بابا بخور تقویت بشی. فردا مسابقه مهمی داریم.



ایول بابا، لوله شون کن.

خلیل، به نظرت چی کارکنم؟ صداوسیما گفته برق جفت سریال‌ها رو نداریم، باید یکی رو پخش کنیم.



به نظرم الان که رحمت هم ندارن، باهاشون فوتبال بازی کنیم برای پخش، توی زمین خودمون با حمایت تماشاگرها حتما برنده می‌شیم.

۸ آخه کی توی بازی دوستانه به مشمول سریال‌های نگاه می‌کنه خب؟



۹ وای حاجی این فریبرز بازیکن غیرمجاز بود نتیجه به نفع ما شد.



حاجی با اینکه توی زمین باختیم، ولی سر این اشتباه ما رو برنده اعلام کردن.

۱۰ دوستان، امروز بازی مرگ و زندگی برای پخش نوروزیه، همه با تمام توان بازی کنین.



خیالت تخت، من استاد زدن ضربات آخرم.

به خاطر شیرین هم که شده، مطمئن باشین من امروز گل می‌زنم.

۱۱ ایول نقی، چی کار هم کردی!



بیبین، این نوروز رو بترکونین که از سال بعد ممکنه برق یک سریال هم نداشته باشن!

۱۲ آقای نورالدین، درباره این باخت چی دارین بگین؟



نورالدین، بذار من این فریبرز رو خفه کنم، برای عیدکل فضای تبلیغاتی روستا رو فروخته بودم، حالا چی کارکنم؟ اشکال نداره، مشکل برق حل بشه، ما هم می‌ریم پخش.

۱۳ بیبین، مطمئن مشکلات کشور هم به خاطر نحسی فریبرزه، نه سوءمدیریت مسئولین، خدا لعنتش کنه، من دختر به این بشر نمی‌دم و برای اینکه از شرش راحت بشم، دخترم رو می‌دم به سلمان.

